**برگزاری صد و پانزدهمین نشست کارگروه منابع ملی:**

**بخش خصوصی، معمار توسعه ایران**

**متن ارائه آقای قدیم :**

 در توسعه ایران بخش خصوصی نه تنها به اندازه بخش دولتی می تواند نقش داشته باشد بلکه می تواند پیش رو بخش دولتی باشد. در این تحقیق قصد دارم به ویژگی های بخش خصوصی و نقش ویژه آن در توسعه بپردازم. بخش خصوصی با آگاهی از نقش خود در توسعه ایران می تواند بهتر و پویاتر از بخش دولتی در این عرصه فعالیت کند.

به طور کلی می خواهم به چند پرسش اصلی پاسخ دهم 1. نقش بخش خصوصی چیست ؟ 2. جنبه های مثبت و منفی نقش بخش خصوصی در توسعه چیست؟ 3. چه مشکلات و موانعی بر سر راه بخش خصوصی وجود دارد؟ 4. نقشه راه و مسیری که باید بخش خصوصی بپیماید چیست ؟

از آنجایی که همه ی این پرسش ها حول مفهوم توسعه شکل میگیرند بنابراین به تعریف مفهوم توسعه می پردازم. توسعه عبارت است از فرآیند تغییر و تحول اجتماعی و اقتصادی که براساس عوامل پیچیده ی اجتماعی و فرهنگی و تعامل آنها شکل می گیرد. توسعه به کارگیری سیستماتیک از دانش برای رسیدن به مقصود و شرایطی ویژه است. در حقیقت یکی از مهم ترین تعریف های به کار رفته درباره توسعه سیستماتیک بودن آن است.

یکی از مسائل و موانع توسعه در ایران این است که نگاه سیستماتیک و نظام مند برای حل مسائل وجود ندارد. به عبارت دیگر توسعه صرفا رسیدن به یک وضع مطلوب و هدف کلی است. نگاه سیستماتیک به این معناست که یک پروسه برای به نتیجه رسیدن می بایست چهار مرحله اصلی را طی کند. این چهار مرحله به ترتیب عبارتند از 1. ورودی 2.فرآیند 3. ابزار و روش ها 4. خروجی. زمانی توسعه رخ می دهد که هر 4 مرحله به خوبی مشخص و روشن شده باشد.

مرحله اول : مشخص کردن ورودی هاست. در پروسه توسعه ورودی ها همان منابع هستند. منابع به طور کلی شامل منابع طبیعی ، ملموس و غیر ملموس می باشد. در دسته بندی منابع ، منابع انسانی استراتژیک ترین نوع آن است. علاوه بر این تعیین ماهیت منابع نیز بسیار حائز اهمیت است . ماهیت منابع ، ترکیب منبع، هزینه جابه جایی، اکتشاف و پراکندگی و تمرکز منابع از جمله مولفه هایی است که می بایست به آن توجه کرد. با توجه به منابع موجود باید خروجی مورد نظر را به روشنی تعریف کنیم و مشخص کنیم براساس چه فرآیندی و پروسه ای قصد داریم به هدف تعیین شده دست یابیم.

موضوع بعدی نوع رفتار ما نسبت به منابع است. پرسش این است که چگونه منابع را اولویت بندی میکنیم؟ مفهوم تخصیص منابع و برنامه ریزی تفضیلی ما نسبت به منابع موجود در ذیل مفهوم مدیریت قرار می گیرد. در حقیقت تخصیص منابع بخشی از مدیریت منابع می باشد. نکته مهم دیگر این است که مالکیت منابع موجود از آن چه کسانیست؟ پاسخ این پرسش این است که مالکیت منابع از آن مردم است که به وسیله مکانیزم هایی به دولت واگذار می شود.

**تحلیل وضع موجود :** با تحلیل وضع فعلی و شناسایی نقاط قوت وضعف می توانیم تصویرو برآیند درست ودقیقی از وضع کنونی داشته باشیم به بیان دیگر تحلیل اینکه دقیقا در چه جایی ایستاد ه ایم سبب می شود تا بتوانیم برنامه و اهداف گام به گامی را برای رسیدن به وضع مطلوب مشخص کنیم. با تحلیل وضع موجود میتوانیم مرحله به مرحله به سمت مقصود نهایی پیش رویم و در هرمرحله میزان پیشرفت و نقص های برنامه موجود را ارزیابی کنیم. تحلیل وضع موجود در انتخاب مسیر درست و نیازسنجی دقیق به ما کمک میکند. برای شناخت وضع موجود به ابزارها و شاخص هایی نیاز داریم که بتواند متر ما برای ارزیابی مختصات فعلی مان باشد لیکن در برنامه توسعه ایران شاخص های لازم برای ارزیابی وضع موجود وجود ندارد. به عنوان مثال با مقایسه ی برنامه توسعه ایران با برنامه توسعه کشور مالزی متوجه می شویم که در برنامه توسعه مالزی همه چیز شاخص گذاری شده است و این شاخص ها فاصله وضع موجود را با وضع ایده آل مشخص میکند و برنامه ی توسعه ایران از این جنبه بسیار ضعیف بوده است. تنها بوسیله شاخص ها ست که می توان راه حل و مسیری مناسب برای توسعه ی کشور برگزید.

**تعریف بخش خصوصی**: بخش خصوصی در جایی بین بازار و دولت قرار دارد. از یک طرف بخش خصوصی نه دقیقا براساس بازار آزاد عمل میکند و نه مشابه دولت به سیاست گذاری کلان می پردازد و از طرف دیگر بخش خصوص تا حدودی دارای ویژ گی های سازمانی و سیاست گذاری دولتی به صورت خرد و درون سازمانی است و مانند بازار مستقل و آزاد عمل کند.

در ادبیات توسعه متفکرانی همچون استیک اشمیتر به نقش بخش خصوصی در هدایت اجتماعی و جامعه اشاره کرده اند براساس دیدگاه استریک اشمیتر در درون جامعه چهار بازیگر اصلی نقش آفرینی میکنند که عبارتند از بازار، دولت، نهاد یا سازمان ها و خود جامعه. در مطالعه دیگری که فیچردر سال 1978 انجام داده چهار هدایتگر برای رفتار افراد در جامعه برشمرده است که عبارتند از 1. بخش غیررسمی خصوصی که همان مشاغل آزاد است که ثبت نشده اند 2بخش تجاری خصوصی3. نهاد های مدنی یا NGOها 4.دولت.

بر اساس گزارش بانک جهانی سرمایه گذاری شرکت های خصوصی موجب ایجاد شغل و بالا رفتن میزان بهره وری در جامعه می شود. سرمایه گذاری بخش خصوصی در روند توسعه بسیار تاثیرگذار است. در واقع در روند توسعه نقش بخش دولتی به عنوان حمایت کننده و مکمل نقش بخش خصوصی می باشد.

در ایران بخش دولتی کارگزار اجرایی است در حالیکه نقش اصلی بخش دولتی در سیاست گذاری ها کلان و ایجاد زیر ساخت های لازم برای سرمایه گذاری بخش خصوصی است. دولت نبایستی نقش تصدی گری اجرایی و عملیاتی داشته باشد. بخش خصوصی کارگزار اجرایی برنامه ها و طرح های توسعه ی کشور است.

 براساس جدول زیر که بخشی از گزارش بانک جهانی باعنوان "بخش خصوصی و توسعه"بین سال های 2000تا 2009 میلادی می باشد می توان به میزان مشارکت بخش خصوصی در بخش های مختلف اجرایی پی برد . طبق این جدول در کشورهایی مانند هند، ترکیه، برزیل و چین در حوزه حمل و نقل، آب و فاضلاب حجم بسیاری از سرمایه گذاری ها به عهده بخش خصوصی بوده است.



















براسا س این گزارش هم حجم سرمایه گذاری بخش خصوصی در امور مختلف بالا بوده و هم دولت با دادن تسهیلات و اعتبار از بخش خصوصی حمایت کرده است. در برنامه توسعه کشور مالزی نسبت سرمایه گذاری بخش خصوصی در برنامه نهم و دهم توسعه این کشور می بایست 6 برابر بشود و در مقابل میزان سرمایه گذاری دولتی از 2/6 به 2/5 بایستی کاهش پیداکند.

•در اینجا لازم میبینم که به بخشی از گفته های آقای سریع القلم درباره بخش خصوصی اشاره کنم. آقای سریع القلم معتقد است که تولید ثروت توسط بخش خصوصی اتفاق می افتد. تولید ثروت توسط بخش خصوصی سبب می شود که به مرور وابستگی جامعه به دولت کم شود و جامعه ای که منبع ثروت اندوزیش خارج از دولت است اولین گام را در راستای توسعه برداشته است. به اعتقاد وی تولید ثروت توسط بخش خصوصی منجر به استقلال اقتصادی مردم در ایران می شود .

و درگام بعدی بخش خصوصی همان طور که قبلا اشاره شد با آموزش در داخل سازمان های خود تغییر نگرش نسبت به ماهیت طبیعی انسان، بالغ شدن انسان و ایجاد حس مسئولیت را به وجود می آورد که منجر به توسعه فلسفی میشود.

 با قدرتمند شدن جامعه در برابر دولت و حاکمیت و ایجاد تشکل های اجتماعی و پیگیری مطالبات اجتماعی گروه ها و صنف های مختلف توسعه اجتماعی رخ می دهد. با رشد علمی و افزایش قدرت اقتصادی طبقه متوسط جامعه، توسعه اقتصادی شکل می گیرد. با مشارکت تشکل های اجتماعی در تعریف هنجارهای اجتماعی و فرهنگی توسعه فرهنگی رخ می دهد. و با داد و ستد امتیازات میان تشکل های اجتماعی و حاکمیت، تشکیل جامعه مدنی، انجمن ها، رسانه ها و نهایتا آزادی های سیاسی،توسعه سیاسی ایجاد می شود.

 در ایران دولت نمی تواند موتور محرکه توسعه باشد زیرا دولت ایران با چندین مشکل مهم و اساسی مواجه است. اولین مشکل عدم پایداری و ثبات در دولت است از آنجایی که اعضای دولت هر 4 سال ویا 8 سال یکبار تغییر میکند برنامه های یک دولت نمی تواند در بلند مدت ادامه پیدا کند و بسیاری از برنامه ریزی های انجام شده توسط دولت بعدی پیگیری نمی شود و به همین دلیل با پروژه های مختلف عمرانی، فرهنگی و غیره.. که نیمه کاره رها شده اند روبرو می شویم. دومین مشکل مساله بودجه است در بخش دولتی بودجه ای وجود دارد و دولت تلاش میکند فعالیت هایی تعریف کند تا سقف و کل این بودجه را خرج کند بدون در نظرگرفتن میزان کارایی و اثربخشی این پروژه ها صرفا به مصرف کردن بودجه مورد نظر می اندیشد. اما در بخش خصوصی هدف و پروژه ی مشخصی وجود دارد و همه تلاش بر این است که با کم ترین هزینه و بیشترین سود آن پروژه تحقق یابد و میزان کارایی(با حداقل هزینه به نتیجه رسیدن ) و اثربخشی (به نتیجه رسیدن )بسیار مهم است. اما در بخش دولتی عموما برنامه ها کلی است و قابل اندازه گیری و هدف گذاری نیستند. از طرف دیگر دولت تا حد زیادی درگیر بروکراسی است و کنترل بروکراتیک در بخش دولتی بسیار زیاد است.

در سیستم دولتی احساس مالکیت وجود ندارد در حالیکه در بخش خصوصی ماکیلت وجود دارد و به همین سبب توسعه اهمیت ویژه ای پیدا میکند. در بخش دولتی بسیاری از معیارهای تصمصیم گیری و سیاست گذاری های کلان اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی تحت تاثیر معیارها و مناسبات سیاسی است. و همین امر سبب میشود که اولویت های اقتصادی و اجتماعی در توسعه دیده نشود.

**نقش سازمان ها به عنوان واسط و میانجی توسعه :**

 سازمان ها همواره در فصل مشترك افراد و جامعه قرار دارند. بخش عمده اي از حيات انسان ها در محيط هاي كاري ميگذرد و با رشد سازمان ها و فعاليت كارآفرينان تعداد بيشتري از افراد به جاي ارايه خدمات در بازارهاي آزاد در سازمان ها و شركت ها به فعاليت و ايجاد ارزش و كسب درآمد مشغولند. سازمان ها در حقیقت کلونی از افراد هستند که تحت رهبری یک نفر یا گروه قرار می گیرند. تفاوت بازار آزاد با سازمان در این است که در بازار هر فردی به تنهایی کار خود را مدیریت میکند اما در سازمان افراد تحت رهبری یک فرد یا یک گروه قرار میگیرند البته این تفاوت هم می تواند مزیت سازمان باشد هم نقطه ضعف آن.

باتوجه به جایگاه سازمان ها در جامعه ، آنها ميتوانند در انتقال مفاهيم و ارزش ها از طريق مكانيزم هاي مختلف آموزش و همچنين ايجاد فرهنگ هاي سازماني بسيار موثر باشند. در اين ميان با رشد و گسترش بخش خصوصي به طور مستمر بخش عمده اي از افراد در جامعه در محدوده تاثير گذاري اين سازمان ها قرار ميگيرند و با هدايت و برنامه ريزي بخش هاي خصوصي، امكان ايجاد تغييرات در رويكردهاي فكري و ايجاد توسعه اجتماعي ميتوان موفقيت بسزايي كسب نمود. بنابراين آگاهي از اين نقش بسيار مهم و حياتي و هدايت جريان هاي فكري و تبديل آنها به فرهنگ سازماني یکی از کارکردهای مهم بخش خصوصی در راستاي تسهيل توسعه اجتماعي است .

**● ساختار تصمیم گیر ی اجتماعی (ارتباط نخبگان ابزاری و فکری):**

 با نگاهي به رويكردهاي جامعه ايراني، ميتوان مشاهده کرد که ميان نخبگان فكري (انديشمندان) و نخبگان ابزاري (مديران اجرايي و سياست مداران) شکافی وجود دارد و حتي این شكاف تا جاییست که ميان نخبگان فكري و حتی تقابل ميان نخبگان ابزاري را پدید آورده است. جامعه ايراني از نبود همسويي و اشتراك بر سر منافع رنج ميبرد و همين انشقاق و چند پارگي در سطح نخبگان در سطوح پايين تر اجتماعي نيز قابل مشاهده است.

در جوامع اروپايي موتور محركه توسعه جامعه است و انديشمندان و نخبگان ابزاري در جهت دهي و يا اجراي برنامه ها براي نيل به اهداف تلاش مي كنند اما با نگاهي به شرق و در نظر گرفتن فاصله طبقات فرودست و حتي متوسط جامعه با آگاهي هاي نخبگان و نيازهاي جامعه توسعه يافته، به نظر مي آيد كه نخبگان دو نقش مهم را ايفا مي نمايند:

نخست آنكه به دليل شتاب زياد چرخ توسعه و مدرنيته در جهان، نخبگان جامعه مي بايد در راهبري توسعه و تعيين اهداف و همچنين برنامه هاي اجرايي ايفاي نقش نمايند و اين مهم نيازمند اجماع نخبگان ايراني بر منافع مشترك ملي است. نقش دوم تلاش براي كاهش فاصله و شكاف ميان طبقات فرودست اجتماعي و رشد طبقه متوسط اجتماعي است كه آن نيز البته به شكل ملموسي متاثر از توسعه اقتصاديست! طبقه فرودستی که با رشد اقتصادی وارد طبقه متوسط اجتماعي می شود مطالبات و خواسته های اجتماعی جدیدی پیدا میکند . فردی که جزیی از طبقه متوسط است در قبال جامعه احساس مسئوليت ميكند و براي نقشش در جهت دهي سياست هاي اجرايي ارزش قائل است و به مناسبات و تحولات اجتماعی و سیاسی توجه میکند.

بنابراين پيش از هر چيز لازم است تا ميان نخبگان فكري و نخبگان ابزاري بر سر رسيدن به توسعه و عبور از موانع اجماع و همسويي شكل بگيرد و در اين ميان بخش خصوصي نقش بسزايي را ايفا مي نمايد چرا كه اولا بخش خصوصي با در اختيار داشتن بخشي از نخبگان ابزاري (مديران اجرايي كشور) توانايي ايجاد چنين اجماعي را با نخبگان فكري دارد و دوما با در اختيار داشتن بخش بزرگي از طبقه متوسط اجتماعي در ميان كارمندان خود توانايي ايجاد ارتباط آنها با نخبگان فكر ي را دارد. به علاوه توسعه بخش خصوصي به معناي افزايش ثروت در جامعه و به عبارتي تقويت طبقه متوسط اجتماعيست و اين به خودي خود در بهبود فرايند توسعه موثر است. . بخش خصوصی بسیار آسان تر می تواند برنامه توسعه ای که نخبگان فکری جامعه بدان رسیده اند را دنبال و اجرایی کند.

براساس جدول زیر می توان مشاهده کرد که جمعیتی بالغ بر 15 میلیون نفر در ایران در بخش خصوصی فعالند و تنها حدود 4 میلیون نفر در بخش دولتی مشغول به کار هستند.



نقش بخش خصوصي چنانچه پيشتر نيز به آن اشاره شد، **افزايش ثروت**، **رشد طبقه متوسط اجتماعي** و ايجاد **استقلال مالي از دولت** است. به نظر می آید كه تاريخ معاصر ايران، عرصه مغلوبيت طبقه متوسط اجتماعي در دوره هاي مختلف تاريخيست! اگرچه در برخي از مقاطع و دوره هاي كوتاه مدت، طبقه متوسط اجتماعي امكان راهبري اجتماعي و تعيين كنندگي را يافته است اما در بخش عمده اي از تاريخ اين طبقه ضعيف قادر به تعيين سرنوشت اجتماعي نبوده و به ندرت توانسته است به هويت اجتماعي مستقلي دست يابد. زمانی که طبقه متوسط اجتماعي شکل می گیرد مطالبات اجتماعي سطح بالاتری پیدا میکند و می تواند نقش تصميم سازي براي بدنه اجتماع را ایفا کند و امكان رشد جامعه را فراهم مي آورد. طبقه اي كه مطالباتش فراتر از نيازهاي سطح پايين معيشتي بوده و ضمنا به دليل آگاهي بيشتر توانايي تصميم سازي و تصميم گيري صحيح تري دارد.

اما در ایران طبقه متوسط هرگز بودن در اين جايگاه را به عنوان يك طبقه اجتماعي نپذيرفته است به اين معنا كه اغلب قرار گرفتن در طبقه متوسط داراي ارزشي اجتماعي نيست! كمتر ميتوان در بستر اجتماعي ايران كسي را يافت كه از بودن در اين طبقه خوشحال و مفتخر باشد. به عبارت ديگر طبقه متوسط هميشه دوران گذاری است براي عبور به طبقات اجتماعي بالاتر، و يا در شرايط اجتماعي نا مطلوب تر قرار گرفتن.

بخش خصوصی پایدار می تواند طبقه متوسط پایداری را هم در ایران ایجاد کند. در حقیقت در پایان باید اشاره کنم که آنچه من در این تحقیق به دنبال آن هستم این است که نقش بنگاه های خصوصی را در توسعه اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ایران بررسی کنم و در نهایت بابررسی موردی به یک چهارچوب مفهومی در رابطه با بخش خصوصی دست پیدا کنم و نحوه تعامل بخش خصوصی و دولتی را بررسی کرده و در نهایت نقش بخش خصوصی در توسعه اجتماعی ایران و نیازمندیهای آن را شناساییی کنم.

در ادامه ی جلسه اعضا و حاضرین به بحث و تبادل نظر حول موضوع و مباحث مطرح شده توسط آقای قدیم پرداختند:

\*چشم انداز و رویکرد شما نسبت به مساله توسعه رویکرد مناسبی نیست زیرا شما با یک نگاه خرد و مدیریتی و درون سازمانی قصد دارید مسائل کلان کشور را حل کنید در حالیکه شما با یک سیستم پیچیده که دارای ابهامات زیاد ی است روبرو هستید . توسعه یک پدیده کلان است و برای پاسخ گویی به مسائل کلان نمی توان از نقطه نظر خرد راه حل مناسبی را انتخاب کرد. در مقاله ی مورد نظر برای اثبات برخی فرضیات و مدعی ها از مثال استفاده کردید، لازم به ذکر است که مثال هیچ حجتی برای درستی و اثبات مدعا نیست و تنها برای تفسیر و توضیح یک موضوع می توان از مثال بهره گرفت. برای اثبات یک مدعا باید از استدلال هایی از جنس احکام و یا روش دیالکتیک استفاده کنید.

نکته بعدی اینکه برای توضیح مساله توسعه نیافتگی ایران نباید صرفا به 100سال اخیر توجه کرد تا قبل از شکل گیری دولت در ایران بخش خصوصی وجود داشته است چرا در آن زمان هیچ تلاشی برای عمران و توسعه کشور انجام نشده است . سوال اینجاست اگر مساله عدم توسعه یافتگی ایران مربوط به بخش دولتی است پس چرا تا قبل از شکل گیری دولت و بنگاه های دولتی توسعه و پیشرفتی رخ نداده است؟

عنوان تحقیق شما این است "بخش خصوصی معمار توسعه ایران" این نشان می دهد که تحقیق شما با یک پیش داروی همراه است بدین معنا که قبل از بررسی و تحقیق درباره نقش بخش خصوصی توانمندی ها وضعف هایش شما بدین نتیجه رسیده اند که توسعه ایران بایستی توسط بخش خصوصی صورت بگیرد. بهتر آن است که تحقیق را با یک پرسش و طرح مساله پیش ببرید و بابررسی واقعیت ها و حقایق به دنبال پاسخ مساله باشید شاید درپایان بررسی هایتان بدین نتیجه برسید که در ایران بخش خصوصی نمی تواند نقش چندانی در توسعه داشته باشد. و بازهم تاکید میکنم که برای بررسی علت توسعه نیافتگی ایران صرفا به برنامه های توسعه و 70 سال اخیر اکتفا نکنید.

نکته دیگر اینکه تفکیک خیلی دقیق و روشنی بین بخش خصوصی و بازار وجود ندارد و بازار چیزی خارج از بنگاه های خصوصی نیست. ویلیامسون معتقد است که دو نوع نظام تدبیر امور وجود دارد که یکی براساس سلسله مراتب می باشد که درون سازمان اتفاق می افتد و دیگری نظام تدبیر امور ( حکمرانی ) که براساس مکانیزم قیمت صورت میگرید که ویژگی بازار است.

 اما در رابطه با نکته هایی که از آقای سریع القلم مطرح فرمودید به عقیده من چنین پروژه ای عملی نیست و اینکه به دنبال اجماع میان نخبگان باشیم و اصرار بر این اجماع داشته باشیم نهایتا منجر به فاشیسم خواهد شد .عقاید ایشان تاحد زیادی صرفا پاپیولار و ساده فهمند اما تاحد زیادی غیر تخصصی و علمی هستند. یکی ار سوالهایی که در رابطه با موضوع مورد بررسی این تحقیق برای من مطرح شده است این است که آیا بخش خصوصی بهره وری بیش از بخش دولتی خواهد داشت ؟ از طرف دیگر بخشی از امور و کالاها هستند که بخش خصوصی هیچ گاه علاقه ای به سرمایه گذاری در آنها نداشته است و از آن جایی که منافعی را هم برایش به دنبال ندارد در آنها ورود نمیکند که به آنها public goodگفته می شود مانند آموزش و پرورش ، بهداشت و سلامت و غیره . در نهایت فکر میکنم که می بایست ارتباط وجودی خود رابا مساله قطع کنید برای اینکه مسیر تحقیق درست و بدون پیش داوری را در طول تحقیق بپبمایید می بایست نقادانه و پرسش محور به سراغ بخش خصوصی بروید و با انتخاب یک زاویه و رویکرد بالاتر و کلان میتوانید سرنخ ها ی بهتر ی را پیدا کنید.(اسدی)

\*نکته کلی این است که چندین موضوع را مطرح کردید که هریک به تنهایی می تواند یک مقاله باشد. به نظر می رسد که فرض شما این است که در ایران بخش خصوصی توانمند و آماده ای وجود دارد که قرار است برای آن نقشی را تعریف کنیم تا توسعه اتفاق بیفتند. بخش خصوصی با خود یک فرهنگ و مکانیزم خاص همراه دارد که درایران چنین بخش خصوصی وجود ندارد. شما اشاره کردید که بخش خصوصی سبب پایداری طبقه متوسط می شود اما آیا خود بخش خصوصی در ایران دارای پایداری و پیشینه است که بتوان برای آن نقش تعریف کرد؟ آیا در کشور های توسعه یافته بخش خصوصی در توسعه نقش داشته است ؟ ویژگی های این بخش خصوصی چیست؟ و چه نقشی ایفا کرده اند ؟ و بخش خصوصی در ایران در روند توسعه در کجای این مراحل ایستاده است ؟ یکی از ویژگی های خش خصوصی این است که با تغییر دولت هم چنان به فعالیت خود ادامه دهد اما در ایران بسیاری از سازمان ها یی که جزء بخش خصوصی به حساب می آیند با تغییر دولت دچار تغییرات عمده می شوند و گاهی به طور کل منحل می شوند و استقلال از دولت ندارند. (فرهادی نیا )

\* ائتلاف میان نخبگان سیاسی و فکری می تواند منافع را به نفع نخبگان مصادره کند و در این میان خواسته ها و مطالبات مردم چه خواهد شد؟ تعریف شما از طبقه متوسط کاملا اقتصادی است درحالیکه در جامعه شناسی طبقه متوسط با ابعاد فرهنگی بررسی می شود نه صرفا اقتصادی . در ایران دولت دارای مشکلات و معایب زیادی است اما باید در کنار دولت به عنصر حاکمیت نیز اشاره کرد که بر روی بسیاری از سیاست های کلان کشور تاثیر گذار است و این تاثیر صرفا بر روی دولت نیست بلکه بر روی جامعه نیز میباشد. در ایران خصوصی سازی رخ نداده است بلکه سرمایه داران دولتی به وجود آمده اند تا اینکه بخش خصوصی پدید بیاید زیرا عمده ی مالکان شرکت ها ی خصوصی بخشی از بدنه دولت بوده اند و بعد از اینکه از دولت جدا شدند با سرمایه دولتی شرکت ها و موسساتی را تاسیس کردند . در رابطه با بحث های مربوط به آقای سریع القلم، ایده ها و نظرات ایشان بیشتر ایده آلیستی است . برای مثال مردم باید از دولت جدا شوند چطوری ذهن مردم باید تغییر کند؟ نوسازی روانی در بعضی کشورها شکست خورده است. در تاریخ نشان داده شده است که به راحتی نمی توانیم به نوسازی روانی و فکری دست بزنیم. در ایران 15 استان هستند که تاریخچه زندگی ایلی داشته اند و نگرش انباشت سرمایه ندارند در حالیکه خصوصی سازی نیاز به انباشت سرمایه حداقلی دارد مانند زمین، نیروی انسانی ، صنعتی و غیره . باتوجه به تاریخچه زندگی در ایران عمدهی شرکت های خصوصی موفق متعلق به چند استان خاص مانند یزد، اصفهان و بهبهان و غیره است. در حالیکه کردها، لرها، بلوچ ها و عرب ها در ایجاد سرمایه و انباشت سرمایه و خصوصی سازی موفق نبودند علت این پدیده این است که در زندگی ایلی انباشت سرمایه و توسعه معنای چندانی ندارد و توسعه از نظر آنها اقتصادی نیست. مناطقی در یران به انباشت سرمایه اهمیت می دادند که سابقه زندگی ایلی نداشتند و شهرنشین بودند و با بازار در ارتباط بودند به همین دلیل کنش عقلانی برای آنها شکل گرفته است اما اکثر مردم ایران دارای کنش احساسی هستند و آینده نگر ی چندانی ندارند و در زمان حال زندگی میکنند. نکته جالب دیگر این است که در ایران هرجا که اقلیت یهودیان سکونت داشته اند خصوصی سازی و بازار رشد کرده و طبقه تجار شکل گرفته است و آن مناطق خاص توسعه پیدا کرده اند. از جمله شهر هایی که در تعامل با یهودیان و بازار بوده اند و روحیه کار سخت، بیشتر و استقلال از دولت در آنها شکل گرفته است می توان به اصفهان و بهبهان و دزفول اشاره کرد.(فروتن)

\* چند نکته اصلی وجود دارد که لازم میبینم به آنها اشاره کنم اولین نکته این است که تعریف بخش خصوصی چیست ؟ در این ارائه به تعریف بخش خصوصی پرداخته نشده است و اینکه تفکیک مشخصی بین بخش خصوصی و بازار ، دولت فرض گرفته شده گو اینکه بخش خصوصی تافته جدا بافته ای است در حالیکه بخش خصوصی جزیی از بازار است. منابع بسیار زیادی بر روی توسعه و نقش بخش خصوصی کار کرده اند و این موضوع دارای ادبیات بسیار غنی و مشخصی است. در جایی اشاره کردید که مالکیت و مدیریت منابع از هم تفکیک شده که مالکیت از آن مرد م است و در آن صورت مدیریت منابع از آن کیست ؟ اینکه مدیریت منابع از آن چه کسی است بسیار مهم است. برای بخش خصوصی سه کارکرد برشمردید که یکی از آنها ایجاد استقلال مالی از دولت است در حقیقت این جزء ویژگی های بخش خصوصی است و دیگر نمی توان آن را کارکرد بخش خصوصی به حساب آورد. بر رشد طبقه متوسط تاکید کرده اید حال سوال این است که چرا رشد طبقه متوسط مهم است ؟ بخش خصوصی چگونه موجب رشد و افزایش طبقه متوسط می شود؟

 نکته دیگر آنکه بخش خصوصی هیچ گاه بر روی Public goods سرمایه گذاری نمی کند زیرا برای آنها سود و منفعتی ندارد هیچ گاه بخش خصوصی برای توسعه مناطق محروم ،جاده، فاضلاب و بهداشت سرمایه گذاری نمیکند. زیرا این نوع کالاها و خدمات برای آنها تضاد منافع ایجاد میکند. سازمان های خصو صی انگیزه لازم برای سرمایه گذاری در این کالاها را ندارد. در اقتصاد به این پدیده مارکت فیلرmarket failur گفته می شود و لازم است که دولت بر روی این دسته از کالاها و خدمات سرمایه گذاری کند. بخش خصوصی می تواند در توسعه موثر باشد اما نمی تواند نگاه توسعه ای داشته باشد زیرا خود توسعه یک نوع public goods است. بخش خصوصی به عنوان یک بنگاه انگیزه ای برای اینکه به فکر توسعه کشور باشد ندارد. بخش خصوصی دائما به دنبال این است که چگونه سود سهام داران خود را بالاببرد و در جاییکه یک بنگاه دار در بخش خصوصی سرمایه ی خود را می تواند در افزایش خط تولید صرف کند هیچ گاه این سرمایه را صرف public goods نمی کند. حتی مسولیت اجتماعی بخش خصوصی صرفا به این معناست که جامعه محلی را هم از سود خود بهره مند کنند تا بر علیه آنها شورش نکنند.

 وظیفه دولت این است که مقررات و سیاست هایی تعیین کند که بخش خصوصی را در مسیر توسعه کشور حرکت دهد و بدین طریق منافع فردی و منافع جمعی را هم راستا کند. یکی از ویژگی های بخش خصوصی این است که حالت داینامیک دارد بدین معنا که در هر کشوری می تواند جنس و شکل متفاوتی داشته باشد. در برخی کشورها بخش خصوصی سابقه و تاریخچه طولانی دارد برای مثال فرد کارآفرین کار خود را از یک بنگاه کوچک شروع میکند و این بنگاه به مرور و در طول زمان رشد می کند و بزرگ می شود و این سابقه تاریخی علاوه بر انباشت سرمایه مالی موجب انباشت دانش در آن بنگاه و سازمان می شود و از آنجایی که این بنگاه دارای سابقه تاریخی است که از زمان شکل گیریش تا تبدیل شدن آن به یک بنگا اقتصادی بزرگ را دربر می گیرد ، و چند نسل در آن فعالیت داشته اند لذا سهام داران و صاحبان آن بنگاه یک نوع علاقه و وابستگی عاطفی به رشد و پیشرفت بنگاه خود دارند و تمام تلاش خود را برای حفظ و گسترش آن می کنند. این نوع از بنگاه داری بهترین نوع بخش خصوصی است اما در ایران بسیاری از موسسات خصوصی شرکت های بزرگ دولتی بوده اند مثل فولاد مبارکه که ناگهان از دولت جداشده اند و چنین روند و تاریخچه مالکیت و حقوقی و انباشت دانشی نداشته اند و وقتی هم واگذار شدند سود ده نبودند .

ارتباط بین نخبگان ابزاری و فکری لزوما شکل نمی گیرد و سوال اینجاست چطور می توان چنین ائتلاف شکل می گیرد ؟( نوری)

\* اولین موضوعی که قصد دارم به آن اشاره کنم از نقطه نظر روش شناختی است . همان طور که می دانید درباره ی نقش بخش خصوصی در توسعه و ویژگی های این نقش ادبیات بسیار غنی و گسترده ای وجود دارد. سوال اینجاست که تحقیق و بررسی شما چه موضوع و نگرش تازه ای رابه این ادبیات اضافه خواهد کرد؟ در واقع نکته ی اصلی و مساله ی مهمی که تحقیق شما به آن می پردازد چیست ؟

از لحاظ محتوایی لازم میبینم که توجه دوستان را به تاریخچه شکل گیری دولت مدرن در اروپاو ایران جلب کنم . شکل گیری دولت مدرن در اروپا بعد از قرارداد وستفالیا در حدود 250 سال پیش رخ داد. شکل گیری این دولت ها همراه با جنگ های متعددی بود که منجر به ازبین رفتن بخش بزرگی از جمعیت اروپا شد. در ایران سابقه شکل گیری دول مدرن را اگر سال 1304 در نظر بگیریم میبینیم که حدود 89 سال از عمر شکل گیری چنین دولتی در ایران می گذرد نکته اینجاست که این مدت زمان برای نقد و ارزیابی کارکردهای یک دولت و در مسیر توسعه بودن آ ن زمان کوتاهی است اینکه این دولت کارکردهای نهادی خود را داشته است نیاز به زمان بیشتری دارد و در حقیقت وقتی این بعد معادله توسعه تا این حد جدید و مبهم است و ثبات و پایداری چندانی هم نداشته است و هنوز هم از لحاظ سیاسی درعدم پایداری به سر میبرد چطور می توانیم به به بخش خصوصی و نقش راهبری آن در توسعه امیدوار باشیم. به زعم اینجانب بخش زیادی از تحلیل شما می بایست به تحلیل کارکردهای دولت بپردازد . (دیوسالار )